

پوری‌پدیا PouriPedia

سوزه‌پدیا



پوریا عالمی

سوزه بلایی است که اگر آدم بشود خوشش نمی‌آید اما اگر همین بلا سر یکی دیگر بیاید آدم خوش می‌آید.

**خطوری سوزه نمی‌شویم؟** فکر کنید شما رئیس باشید و جورابتان سوراخ باشد، یا فکر کنید رفته باشید سازمان ملل و برای صندلی‌ها سخنرانی کنید، یا فکر کنید یک‌دفعه بگویید ما در محلمان به‌صورت‌کلی آدمی‌که سبیل یا چیزهای دیگر نداشته باشد نداریم، صدا مثال دیگر هم هست که شما خطوری می‌توانید خودتان را سوزه سهامی خاص و سهامی عام کنید.

**خطوری سوزه نمی‌شویم؟** فکر کنید شما یک شهروند هستید که هیچ مسئولیت دولتی و اجرایی و رسمی و رانتی و آقا‌دگی روی دوش شما نیست، به زبان ساده شما نان بازاری خودتان را می‌خورید. در این حالت شما هرگز سوزه نمی‌شوید. اگر بگویید «دوشواری؟ دوشواری کجاست شما آن را به من نشان بده...» شما سوزه نمی‌شوید. اگر بگویید «شیب؟ بام؟» شما سوزه نمی‌شوید. فراموش نکنید ممکن است به کار شما ب‌خندند یا خودتان هم به کار خودتان بخندید اما شما سوزه نیستید. تته‌پته‌کردن شهروندان خنده‌آور است اما تته‌پته مسئولان در تربیون‌های رسمی از فرط گریه‌آوردن خنده‌دار است چون آنها مسئول هستند و وقتی کسی مسئولیتش را درست انجام ندهد مردم باه‌اش رفتار نامناسب می‌کنند و نمی‌توانند جلو خنده‌شان را بگیرند. حتی اگر غلط املایی داشته باشید و طراوت را تراوت نوشته باشید، نویسنده این ستون هم ۶۰ درصد «را‌های زبان فارسی را درست تلفظ نمی‌کند تازه اگر تلفظ کند، اما این موضوع تابه‌حال سوزه‌اش نکرده هرچند با دوستانش بارها به شیوه حرف‌زدنش خندیده باشند یا دوستان جلو روی خودش ادا دربیاروند. حقیقت این است که اگر نویسنده این ستون دستش تو جیب مردم بود یا از مال مردم و بیت‌المال می‌خورد اصلاً جرأت نداشت حرفش را توی دلش بزند چه برسد به اینکه هرروز بیاید و حرف‌های کنده‌کننده بزند.

**سوزه در سوزه؟** راستش ما امروز سوزه نداشتیم و به خنسی خورده بودیم و مجبور شدیم خودمان را سوزه کنیم.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۴ • ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۳۶ • ۱۳ آوریل ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۷۴ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۴ • اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

روزنامه‌فردا

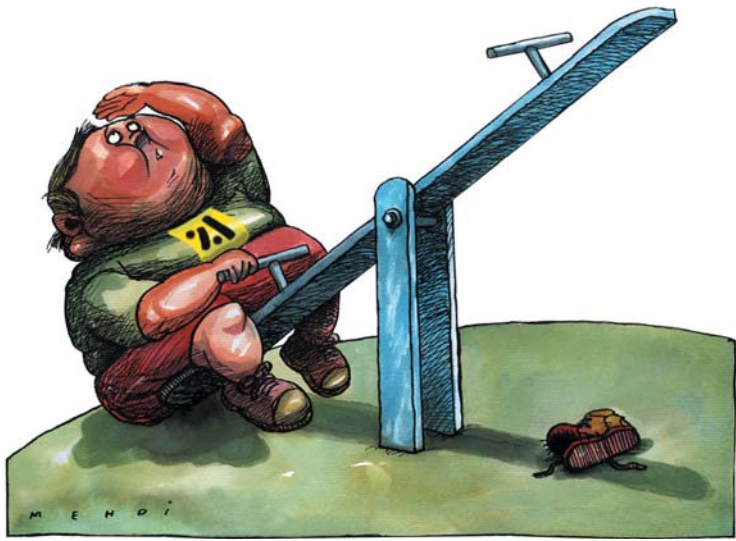
fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی



افزایش یک درصدی قیمت خودرو قانونی است



گفتار

در واکنش به رفتار مأموران فرودگاه عربستان سعودی با نوجوانان ایرانی

## هدف اعتراض را با نژادپرستی به حاشیه‌نرانیم



سیدمحمد بهشتی

در برابر اتفاق ناگوار تعرض مأموران فرودگاه عربستان به نوجوانان ایرانی، وزارت امور خارجه مسئولیت‌هایی دارد، که مجدانه پیگیر آن است. اما در این میان، مردم هم نباید نسبت به چنین رویدادی بی‌تفاوت باشند. از طرفی هم باید خیلی مراقب باشیم که اعتراضمان به این اتفاق، تبدیل به مخاصمه بین عرب و ایرانی نشود. ما با اعراب

مشکلی نداریم، اما درعین‌حال، جامعه باید در قبال این اتفاق که از قضا در عربستان رخ داده ولی ممکن بود هر جای دیگری هم رخ دهد، حساس باشد، از عزتش پاسداری کند و نشان دهد که نسبت به رفتاری که در جهان با او صورت می‌گیرد بی‌تفاوت نیست.

اینکه متأسفانه در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، جریانی حول این اتفاق به راه افتاده که در چارچوب اختلافات بین شیعه و سنی و عرب و عجم می‌گنجد، هدف اصلی اعتراض به رفتاری غیرانسانی را به حاشیه می‌برد، به‌هرحال در کشور ما، هم عرب هست و هم سنی و نباید چنین اتفاقی، اختلافات

همین‌حوالی

## رد مرگ



شده، قاتلش خمیده، قدم‌هایش ناتوان و وجودش لبریز از شوق مرگ. مرد کوتاه‌قامت، لباس زنده و مندرس به تن دارد و می‌کوشد از دست مرگ میانه بزرگراه بگیرد. سرعت اتومبیل‌ها، مایوسش نکرده، می‌جنگد تا به گاردریل برسد. دو دست را روی امتداد آهنی مرگ می‌گذارد و از نفس‌کش شمشادها می‌گذرد.

- بی‌اعتنا به مردم سواره، بدون هیچ نگاهی به چشمانی که حیران نگاهش می‌کنند، به‌دنبال چهره‌های آشنا می‌گردد. گعده خماری و منگی، انتظارش را می‌کشد. برایش سخت است قدم‌برداشتن. در هرقدم، گویی دماوندی جابه‌جا می‌کند. صورتش را تراشیده، به گمانش موهایش مرتب است تا کسی نداند اسیر چیست اما این چهره نکیه‌تر از آن است که نتوان دردش را فهمید. به گعده می‌رسد، سرمست،



امیرحسین نام‌ری

- رد مرگ می‌کشد. رد دو انگشت، نقشه مرگ است؛ کشیده شده تا زن. اثر دو انگشت روی گاردریل میانه بزرگراه، رد مرگ است تا زن. گاهی تلو‌تلو می‌خورد، این را می‌شود از اثر کف دستی که روی گارد مانده است فهمید؛ هرچند قدم یک‌بار. زن جوان است اما نشان جوانی ندارد. چهره‌اش، تکیده مانند کسی که مرز ۷۰ یا حتی ۸۰ را رد کرده باشد. دو انگشت روی گاردریل میانه بزرگراه، خود را می‌کشد تا جایی که چهره‌های آشنا ببیند. مرگ، با شوق در چهره‌اش نمایان می‌شود. به‌سختی از گارد می‌گذرد تا خود را به نفس‌کش شمشادها برساند. زن جوان، به مقصد رسیده است. ردش را می‌توان دید که از چهره‌اش تابیده، از مسیری که روی گاردریل میانه بزرگراه باقی گذاشته است.

- او که قامت کوتاه‌تری دارد به دیگری نگاه می‌کند. نفس نیم‌بندش را حبس می‌کند و با یک‌قدم فاصله، پشت‌سر آن یکی، از بزرگراه می‌گذرد. تلاش می‌کند از مرگ سبقت بگیرد. چهره‌اش دوداندود

# کافه نارون VIP

محیطی خاص برای افراد خاص



رزرو

۲۶۱۰۳۹۸۰

نیاوران | مرکز خرید نارون | طبقه همکف | واحد ۷

پارکینگ اختصاصی



ششمین شماره ماهنامه سیاسی - فرهنگی «سخن‌ما» منتشر شد

صاحب امتیاز:  
مدیرمسئول:  
مهرنوش جعفری

# سخن‌ما

پرونده ویژه: دین‌داری در جهان امروز

همراه با مقالات و گفتارهایی از:  
مقصود فراستخواه، علی رضا علوی تبار  
محمد رضا جلایی پور، ابوالقاسم فتایی

سیاست جهانی - پایان کار پادشاه تنها:

همراه با مقالات و گفتارهایی از:

سید علی موسوی خلخالی، سرکیس نعوم  
عبدالله رمضان زاده، فواد ابراهیم  
سایر پرونده‌ها:

نهادهای مدنی - توسعه یا نفت یا بدون نفت:

همراه با مقالات و گفتارهایی از:

محمد فاضلی، امیر ناظمی، علی سرزعیم  
سعید میرتربایی، محمد علی همایون کاتوزیان

«گفتارهای ماه» با مقالاتی از:

سید محمد علی ایازی، علی پایا، غسان شریل  
اندیشه سیاسی با:

محسن آرمین، سید علی میر موسوی

عرصه ساینست - چشم انداز:

همراه با مقالات و گفتارهایی از:

سید علی محمودی، ناصر هادیان  
محسن صفایی فراهانی، محمد ستاری فر

زنان - چالش‌ها و اقدامات معاونت زنان با شهیندخت مولاردی

